



بسیاری از ابعاد منطق ابن سینا کشف نشده است/ بوعلی فیلسوفی تحلیلی

یک عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه ابن سینا هنوز فیلسوفی است که بر تارک اندیشه و تفکر فلسفی اسلامی می‌درخشد و بسیاری از متفکران ما هنوز نتوانسته اند حق او را به عنوان فیلسوف مؤسس در عرصه حکمت مشائی به جا بیاورند، تأکید کرد: بنابراین باید بیشتر از گذشته تلاش کنیم به ابن سینا بپردازیم.

یک عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه ابن سینا هنوز فیلسوفی است که بر تارک اندیشه و تفکر فلسفی اسلامی می‌درخشد و بسیاری از متفکران ما هنوز نتوانسته اند حق او را به عنوان فیلسوف مؤسس در عرصه حکمت مشائی به جا بیاورند، تأکید کرد: بنابراین باید بیشتر از گذشته تلاش کنیم به ابن سینا بپردازیم.

دکتر رضا محمدزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد جایگاه و اهمیت اندیشه ابن سینا و نیاز انسان معاصر به ابن سینا مطالبی را بیان کرد که در ادامه از نظر شما می‌گذرد.

ابن سینا از متفکرین مسلمان است که بخش بسیار عمده ای از ریشه های تفکر عقلانی در تمدن اسلامی به عنوان حکیم مسلمان به او بر می‌گردد، چون حکیم و متفکری است که از منابع ترجمه شده یونانی به زبان عربی استفاده بسیار زیادی کرد و توانست مسائل و مباحث مهم فیلسوفان غیر مسلمان ریشه‌یابی و افکار آنها به صورت انتقادی بررسی کند. او بنیانگذار جریان فکری در جهان اسلام است که اگرچه آن جریان فکری را تحت عنوان حکمت مشاء می‌شناسیم و از این جهت، عنوان فلسفی این جریان فکری با عنوانی که برای افکار فلسفی ارسطو و پیروان او انتخاب شده، یکسان و منطبق است، ولی واقعیت این است که حکمت و فلسفه مشائی ابن سینا با چیزی که فلسفه مشائی ارسطو خوانده می‌شود تفاوت‌های بسیار مهم و جدی دارد که برخی از بزرگان فلاسفه به این تفاوت‌ها به چشم انتقاد نگاه کردند که ازجمله آنها می‌توان از ابن رشد یاد کرد.

ابن رشد چون تنها ارسطو و ارسطوئیان را فیلسوف می‌دانست با افکار فلسفی ابن سینا که به لحاظ فکری کاملاً منتقدانه مباحث ارسطو را مورد ارزیابی قرار داد مخالفت می‌کرد و معتقد بود بحث‌هایی که ابن سینا مطرح کرده است بحث‌های فلسفی نیست. نفی ای که توسط ابن رشد صورت گرفته است به معنای نفی ارزش‌های فکری و تحلیلی و فلسفی ابن سینا نیست. در واقع منشأ آن نقطه تمایزی است که ابن سینا به‌عنوان فیلسوف مبتکر و نوآور در عرصه مسائل فلسفی دارد. ابن سینا شخصیت فلسفی‌ای دارد که کاملاً از ارسطو متمایز است اما در عین حال خیلی از مسائل، پرسش‌ها و سؤالات فلسفی که برای فیلسوفان قبل از او مطرح بوده است زمینه بروز افکار و مبانی فلسفی در ابن سینا را به وجود آورده است. به همین جهت است که پرسش‌های واحد و متحدی وجود دارد که هم ارسطو و هم ابن سینا به آنها پاسخ داده است. به نظر می‌رسد ابن سینا با ارزیابی و تحلیل پاسخ‌های ارسطویی سعی کرده پاسخی را به همان سؤالاتی که برای ارسطو مطرح بوده، بیان کند که این پاسخ‌ها، نقاط ضعف و ابهامی که در مباحث ارسطویی وجود دارد را برطرف کرده باشد و در عین حال دارای نقاط قوت و متمایزی باشد. بنابراین ما ابن سینا را به عنوان یک فیلسوف مبتکر، نوآور و به معنایی، فیلسوف تحلیلی می‌شناسیم.

امروز در بحث‌های فلسفی گاهی تعبیر فلسفه تحلیلی به کار می‌رود که در فلسفه تحلیلی ابعاد مهم فکری از قبیل عقلانیت، ابتناء بر مباحث منطقی و تحلیل کردن عقلی و روش‌های منطقی غالب می‌شود و بسیاری از مباحث در رابطه با پرسش‌های فلسفی مطرح می‌شود که شاید به عنوان فیلسوف جامع در عرصه مباحث تحلیلی بتوان از ابن سینا یاد کرد که با ابتناء بر مباحث منطقی هم در بخش تعریفات و هم در بخش استدلال سعی کرده است، پرسش‌های فلسفی که برای فیلسوفان مطرح بوده را به بهترین نحو ممکن پاسخ دهد و در پاسخ‌دادن‌ها خیلی اوقات مباحثی که برای فیلسوفان تحلیلی امروز مطرح است، به خصوص تحلیل‌های زبانی ابن سینا. این تحلیل‌ها به خوبی اتفاق افتاده و می‌توانیم در عرصه مباحث فلسفه تحلیلی از ابن سینا به عنوان فیلسوف متقدم و مسلمان یاد کنیم و در کنار همه این مباحث یکی از امتیازاتی که ابن سینا دارد این است که او از افکار و اندیشه های فلسفی به معنای الهی برخوردار بوده است. ابن سینا اساساً با نگاه ویژه ای که به مباحث مربوط به مبدأ و معاد به لحاظ فلسفی دارد کاملاً خود

را از سایر فیلسوفانی که در عرصه مباحث خدا و معاد از نقاط ضعف بسیار جدی رنج می برند و نتوانستند مباحث مربوط به مبدأ و معاد را به نحو صحیح و عقلانی تحلیل کنند جدا و متمایز می کند.

به تعبیر علامه طباطبایی، ابن سینا فیلسوف عمومی نیست، بلکه فیلسوفی الهی است که دارای افکار در عرصه فلسفه الهی است. علامه طباطبایی معتقد است همه مباحث حکمی و فلسفی که در دو میانه مبدأ و معاد جا می گیرد و هم به مبدأ الهی معتقد است و هم به معاد نهایی، اعتقاد تحلیلی و عقلانی دارد. از این نوع فلسفه و فیلسوفان می توان تعبیر به فلسفه الهی و فیلسوفان الهی کنیم. اما سایر جریانهای فلسفی که نتوانستند مباحث مربوط به مبدأ و معاد را آنچنان که شایسته است مطرح کنند و به آن بپردازند تحت عنوان فلسفه عمومی و فیلسوفان عمومی قرار می گیرند. این مبنایی است که علامه طباطبایی در رساله «علی(ع) و فلسفه الهی» طرح می کند و معتقد است بسیاری از فیلسوفان مسلمان از جمله ابن سینا به دلیل برخورداری از شاخصه اعتقاد به مبدأ و معاد از جمله فیلسوفان الهی قرار می گیرند البته افکار و اندیشه های آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر آموزه های حکمی و عقلانی بوده است که در مکتب اهل بیت(ع) و در دین اسلام مطرح شده و هم ادبیات و هم نوع تفکر عقلانی شان تا حد زیادی از این نوع شاخصه برخوردار است.

تمام جریانها و افکار فلسفی که در تمدن اسلامی شکل گرفته به شکل مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر ابن سینا بوده است. ابن سینا بعد از اینکه فلسفه خود را مطرح می کند و آثار متعددی را می نویسد که البته بخشی از آنها در طول تاریخ از بین رفته و متأسفانه در اختیار ما نیست، اما بخش زیادی از این مباحث در اختیار است. آثار او مورد مطالعه بسیاری از فیلسوفان بعد از ابن سینا صورت گرفته است. روحیه ابن سینا که روحیه فلسفی به معنای انتقادی و تحلیلی است در فیلسوفان بعد از او به شکلی رشد یافته تر قابل مشاهده است و آنها با نگاه انتقادی مباحث ابن سینا را مطالعه و سعی می کردند اگر نقطه ضعفی در مباحث او می بینند آن نقاط ضعف را بارز کنند و با همان روش ابن سینا، این مباحث را به شکل تحلیلی به جایی برسانند که نتیجه افکار فلسفی آنها باشد.

بعد از ابن سینا با دو جریان عمده فلسفه روبرو هستیم؛ یکی فلسفه اشراقی و دیگری فلسفه صدرایی است و هر دوی این جریان فکری با رویکرد انتقادی به مباحث ابن سینا به عنوان فیلسوف بزرگ و مؤسس در عرصه تاریخ فلسفه اسلامی نگاه کردند و مباحث ابن سینا را هضم و سعی کردند با رویکرد انتقادی بعضی از مباحث ابن سینا را مورد پذیرش قرار دهند و تا حدی هم سعی کنند مباحثی را که از نظر آنها از ضعف نگرش یا ضعف مبنایی و استدلالی برخوردار است آنها را به نقد بکشانند، لذا سهروردی فیلسوفی است در عرصه حکمت اشراقی که کل مباحث ابن سینا را مطالعه کرده است. بسیاری از آثار شیخ اشراق، ترجمان دیگری از مباحث ابن سیناست اما در «حکمة الاشراق» سعی کرده است افکار فلسفی خودش را با نقد فلسفه مشائی گره بزند و به مراتب و درجاتی از فکر فلسفی راه پیدا کند که سکوی پرش آنها افکار ابن سینا تشکیل داده است و با انتقاد کردن نسبت به برخی از نکات سینیوی، بنیانگذار حکمت اشراقی شود و دقیقاً همین ویژگی را در جریان فلسفی که ملاصدرا به وجود آورد مشاهده می کنیم.

اگر ملاصدرا از حکمت و فلسفه خود به عنوان حکمت برتر و بالاتر و به زبان عربی «متعالیه» یاد می کند، آن چیزی که ملاصدرا حکمتش را با آن مقایسه می کند و حکمت خود را بالاتر از آن می بیند و از نقاط قوت برخوردار می داند و معتقد است تا حد زیادی توانسته در آسمان حکمت و تفکر فلسفی از آن نقطه فراتر برود و بنابراین حکمت خود را حکمت متعالیه نامگذاری کرده است همانا حکمت سینیوی و مباحثی است که ابن سینا مطرح کرده است.

بخش زیادی از افکار ابن سینا در آثار و مکتوبات ملاصدرا به چشم می خورد و ملاصدرا سعی کرده بسیاری از مباحث ابن سینا را شرح و بسط دهد. می دانید یکی از آثار بسیار مهم ملاصدرا شرحی است که بر الهیات شفای ابن سینا نوشته است. امروز دانش پژوهان و فلسفه پژوهان زمانی که سعی می کنند با مباحث فلسفه اسلامی آشنا شوند، یکی از منابع بسیار مهمی که به آن مراجعه می کنند شرحی است که ملاصدرا بر ابن سینا نوشته است و در این شرح پخته و حکیمانه سعی کرده است به زوایای پنهان و مباحث سینیوی را به خوبی روشن کند و بر مبنای همین نگرش نسبت به فلسفه سینیوی است که در برخی از آثار خود از جمله «شواهد الربوبیه» و همچنین «الاسفار الاربعه» سعی کرده است به مراحل از فکر فلسفی دست پیدا کند.

اگر مباحث فلسفی ابن سینا را زمینه ای برای بحث‌های صدرایی به حساب آوریم آنچه که ملاصدرا مطرح می‌کند از نظر خود او در عرش و آسمان فلسفه اسلامی قرار گرفته است. جالب اینکه ملاصدرا هر زمان در آثار خود به نکات ابتکاری دست پیدا می‌کند که فوق مباحثی است که ابن سینا مطرح کرده از آنها تعبیر به حکمت عرشی و آسمانی می‌کند. گویی حکمت از دو بخش تشکیل شده است: زمینی و آسمانی. آنچه که زمین حکمت را تشکیل می‌دهد مهد و مبنای اولیه حکمت را تشکیل می‌دهد مباحثی است که بزرگانی مثل ابن سینا مطرح کردند و ملاصدرا معتقد است با این مبنا او در آسمان حکمت پرواز کرد و توانسته به آسمان حکمت دست پیدا کند و به این جهت از نکات ابتکاری خودش تعبیر به حکمت عرشی می‌کند.

بعد از ملاصدرا هم افکار ابن سینا تأثیر خود را در تمدن اسلامی به صورت شگرفی باقی گذاشته است. هر کسی که ادعای پرداختن به مباحث فلسفه اسلامی را دارد بدون توجه و تعمق و تأمل در مباحث فلسفه سینوی، نمی‌تواند صادق و صائب تلقی شود. به خاطر همین امر هم هست که بسیاری از اساتید، دانش پژوهان و فلسفه پژوهان توصیه می‌کنند که برای پرداختن به فلسفه اسلامی سعی کنند به عنوان نقطه آغاز از افکار فلسفی ابن سینا برخوردار شوند و آنها را یاد بگیرند و آنها را فهم کنند.

همان طور که در عالم غربی معتقدند هیچ فکر فلسفی و نکته عقلانی وجود ندارد مگر اینکه در عبارت‌های ارسطو و کسانی مثل ارسطو، اشاراتی نسبت به آن وجود دارد، با جسارت علمی اعلام می‌کنم این خصوصیت به مراتب بیش از آنچه که در مورد ارسطو در حوزه فرهنگ و تفکر عقلانی غربی وجود داشته باشد در حوزه افکار فلسفی و عقلی در ابن سینا وجود دارد. به جرأت می‌توانم بگویم هیچ نکته فلسفی و عقلانی نیست مگر اینکه به نوعی در آثار ابن سینا آن نکته و مطلب را به نوعی حتی به صورت اشارت دریافت کرد و با توجه به اینکه بنده جزو کسانی هستم که معتقدم ما هنوز نتوانستیم همه ابعاد و همه سجایای عقلانی و فکری ابن سینا را در عرصه های مختلف در بحث‌های فلسفی، منطقی، سایر دانش‌هایی که ابن سینا نسبت به آنها ورود پیدا کرده بود هنوز نتوانستیم همه این ابعاد را تحلیل کنیم.

بسیاری از کسانی که بعد از ابن سینا سعی کردند مباحث او را شرح دهند در واقع قرائت‌های خود را از ابن سینا داشتند، با نگاه خودشان و استنباط‌های خودشان به مباحث پرداختند مثل فخررازی، خواجه نصیر و حتی ملاصدرا. اینها نگاه‌های ویژه ای به ابن سینا داشتند. ابن سینا فیلسوفی است که به هیچ عنوان افکار فلسفی در چارچوب نگرش‌ها و برداشت‌های شخصی هیچ احادی قرار نمی‌گیرد و او فیلسوفی است آزاده تر از چیزی که چارچوب‌های فکری دیگران بتواند او را محدود بکند و به همین جهت است که توصیه ام به دانشجویان و علاقه مندان به مباحث فلسفی این است که در مباحث ابن سینا بیشتر از گذشته غور کنند و تفکر و تدبر و توجه کنند.

بسیاری از سؤالات عقلی و فکری و فلسفی و انسانی گاهی به ذهن ما هجوم می‌آورد و ما را بی‌تاب می‌کند و تلاش می‌کند برای اینها پاسخ مناسبی پیدا کنیم در محتوای فکری علمی و فلسفی ابن سینا بحث‌هایی وجود دارد که می‌تواند در حل کردن این گره‌ها و معضلات فکری به ما کمک کند و بنابراین پرونده ابن سینا هنوز بسته نیست. ابن سینا بعد از هزار سال که از ابعاد وجودی اش می‌گذرد هنوز هم فیلسوفی است که برای ما می‌تواند محل توجه و تدبر باشد و جالب این است که این ویژگی بیشتر از آنکه در ما وجود داشته باشد در دانشمندان و عالمان غربی وجود دارد که هنوز در مباحث ابن سینا در علوم مختلفی که ابن سینا مطرح کرده است هنوز

بسیاری از ابعاد مباحث منطقی ابن سینا متأسفانه مکشوف نشده و گاهی اوقات فکر می کنم کسانی که بعد از ابن سینا شخصیت های برجسته فکری به حساب می آیند و سعی کردند ابن سینا را تفسیر کنند در عین حالی که زحمات زیادی کشیدند یکی از مشکلاتی که ایجاد کردند این است که مخاطبین خود را دچار این توهم کردند که هر آنچه در ابن سینا بوده را به مرحله بروز و تفسیر در آوردند، اما واقعیت این نیست. واقعیت این است که ابن سینا بزرگ تر از آن است که این مفسران بتوانند همه زوایا و گوشه های فکری و علمی او را نشان دهند. ابن سینا هنوز فیلسوفی است که بر تارک اندیشه و تفکر فلسفی اسلامی می درخشد و بسیاری از متفکران ما هنوز نتوانستند حق او را به عنوان فیلسوف مؤسس در عرصه حکمت مشائی به جا بیاورند و به خاطر همین هم باید بیشتر از گذشته تلاش کنیم به ابن سینا بپردازیم. همچنان که بسیاری از استادان منصف و متفکران نکته سنج معتقدند هنوز ابعاد اندیشه ابن سینا در عرصه فلسفه اسلامی، منطق اسلامی، طب اسلامی و ... مکشوف نشده است.

اساتیدی را می شناسم که در عرصه مطالعات فلسفه غربی و دانش های غربی مطالعات خوبی داشتند و بعد از بازگشت به وطن و به پایان رساندن دوره های مطالعاتی در حوزه های تفکر غربی، اعتقادشان بر این است که باید بازگشت و رجوع مجدد به ابن سینا داشته باشیم تا بتوانیم از زاویه نگاه به ابن سینا بسیاری از معضلات فکری را که امروزه به آن دچار هستیم بتوانیم پاسخ دهیم. اینها نمونه هایی است که نشان می دهد که ابن سینا را آنچنان که هست نشناختیم و حق او را آنچنان که لازم بود به جا نیاوردیم.

ابن سینا در زمینه تفکر و تعقل به معنای اسلامی کلمه، زحمات بسیار زیادی را متحمل شد و واقعیت قضیه این است که این گونه شخصیت ها در هر تمدن و کشور و فرهنگی نقطه ثقل افکار علمی آن فرهنگ به حساب می آید و امیدواریم قشر جوان، تحصیل کرده و دانشگاهیان و حوزویان ما که در مباحث علمی ورود خوبی دارند و دغدغه های جدی دارند در مسیر پرداختن به افکار فلسفی ابن سینا و استفاده از نقاط قوت فکری او در عرصه های مختلف به مراتب بیشتر از گذشته بهره های لازم را از این فیلسوف بزرگ ببرند.